

با نام خدا

طرح تدریس مبتنی بر رویکرد سازنده گرایی

از طرح تدریس سازنده گرایانه برای جلب مشارکت دانش آموزان در فرایند یادگیری استفاده می شود. در این طرح، دانشجو معلم می تواند به راحتی از سایر روش ها و الگوهای تدریس مورد نیاز، در قالب طرح سازنده گرایانه بهره گیرد؛ مثلاً دانشجو معلم می تواند در گام اول، که برقراری ارتباط است، از روش اکتشافی، دریافت مفهوم و ... استفاده کند؛ در حالی که در گام دوم و سوم تحت عنوان به تجربه گذاشتن و به کار بستن، می تواند از تفحص گروهی، تفکر استقرایی و ... بهره گیرد. در گام های دیگر نیز به تناسب موضوع، موقعیت، توانمندی های فردی و ... می تواند روش های دیگری را به کار گیرد. به علاوه از امتیازات طرح سازنده گرایانه این است که در این طرح یادگیری، به دلیل تأکید فراوان بر جنبه کاربردی، از دانشجو معلم خواسته می شود تا در طراحی و اجرای تدریس، از پیوند با مسائل روزمره و حقیقی دانش آموز (برقراری ارتباط) آغاز کند و با تدارک فرصت هایی به منظور کاربردی کردن محتوای یادگیری در موقعیت های عملی زندگی (انتقال به موقعیت جدید) خاتمه دهد.

به طور کلی فرایند طرح تدریس سازنده گرایانه عبارتند از:

فعالیت های مقدماتی

- مطالعه و بررسی محتوای یادگیری شامل متن درس، کتاب راهنمای معلم و منابع کمکی
- استخراج مفاهیم و مهارت های متن درس؛ مفاهیم شامل: واژه های کلیدی، تعاریف، اصول و می شوند.
- مهارت ها می تواند در سه طیف شناسایی شود:
- مهارت های عمومی مانند: مشاهده کردن، تشخیص دادن، طبقه بندی کردن و ...
- مهارت های ویژه هر درس مانند: روان خوانی در قرآن، نقشه خوانی در جغرافی، آزمایش کردن در علوم تجربی، به کارگیری ابزار در رشته های فنی حرفه ای و ...
- مهارت های زندگی با تأکید بر برنامه درسی ملی و ساحت های تربیتی (اعتقادی، عبادی و اخلاقی؛ ساحت اجتماعی و سیاسی؛ زیستی و بدنی؛ زیباشناختی و هنری؛ اقتصادی و حرفه ای؛ علمی و فناوری)؛
- تعیین پیامدهای یادگیری: آنچه انتظار داریم پس از تدریس محتوا در تفکر، نگرش و رفتار دانش آموز اتفاق بیفتد. جنبه کاربردی درس که ترکیبی از ابعاد شناختی، عاطفی و عملکردی بوده و ناظر به کاربرد در زندگی روزمره دانش آموز است؛ می توان سطوح پیامدهای مورد انتظار را در سه سطح تعیین نمود.

- تهیه مواد و رسانه های آموزشی متنوع و متناسب با ویژگی های دانش آموزان به منظور بهره برداری در مراحل مختلف اجرای تدریس

گام اول: ارتباط برقرار کردن (درگیر شدن ذهن یادگیرنده با موضوع یادگیری)

در این مرحله دانشجو معلم تلاش می کند تا با فراهم کردن یک موقعیت واقعی یا دیداری شنیداری، ذهن و عواطف دانش آموزان را نسبت به مفهوم و مهارت های (که در فعالیت های مقدماتی به آن اشاره شد) مندرج در متن درس به شدت درگیر کند و یا دانش آموزان را با یک موقعیت جدی، مبهم و حیاتی روبه رو کند؛ به گونه ای که دانش آموزان نسبت به موضوع حساس شده؛ ذهنشان با موضوع درس مرتبط شده و سریعاً اراده شناخت بیشتر موقعیت و تلاش برای حل مساله را پیدا کنند. در واقع دانشجو معلم می تواند با استفاده از وجوه کاربردی درس در زندگی روزه مره دانش آموزان (پیامدها) موقعیت هایی را مهیا کند تا آنها نسبت به موضوع درس انگیزه و توجه لازم را پیدا کنند. بنابراین فرصت یادگیری تدارک دیده شده در این مرحله باید در ارتباط با زندگی روزمره دانش آموز بوده و برخاسته از مسایل / چالش هایی باشد که دانش آموز با آن روبه رو است.

گام دوم: به تجربه گذاشتن (تأمل در تجربه های پیشین و استخراج تجارب مشابه)

پس از درگیر شدن دانش آموز و پیدایش سؤالاتی در ذهن او نسبت به موضوع، در این مرحله دانشجو معلم باید موقعیتی را تدارک ببیند که دانش آموز در آن موقعیت، با استفاده از تجربیات پیشین خود و یا گاهی تجربه کردن در لحظه از طریق پژوهش و کاوش، پاسخ برخی پرسش های خود را بیابد. این فعالیت ها قلب یادگیری مفهومی را تشکیل می دهند و فرصت های یادگیری تدارک دیده شده برای این مرحله باید قابل تجربه و آزمایش باشند تا یادگیرنده با بروز خلاقیت خود به کشف روابط یا راه حل ها دست پیدا کند، اختراع کند و به ایده های نو بیانیشد.

گام سوم: به کار گرفتن

دانشجو معلم با ایجاد یک موقعیت برای دانش آموزان و گروه بندی آن ها، زمینه ای را مهیا می کند تا اعضای هر گروه با اطلاعات دو مرحله پیش برای رفع یک مشکل، حل یک مسئله، دادن یک ایده و ... تلاش کنند. در این مرحله دانش آموزان در قالب گروه های کوچک، یافته های مرحله پیش خود را با یکدیگر مطرح می کنند و در یک فرایند تعاملی و یادگیری مشارکتی به بازنگری، تجزیه و تحلیل اطلاعات جمع آوری شده به صورت گروهی می پردازند. این یادگیری مشارکتی و تعاملی مقدمه یادگیری مفهومی پایدار است. در این مرحله معلم باید منابع یادگیری (کتاب، کاربرگ، تصاویر، کلیپ ها، امکان استفاده از رایانه برای منابع دیجیتالی و جمع آوری اطلاعات برخط) و موقعیت هایی را تدارک ببیند تا در طی آن، دانش آموز بتواند، ضمن تعامل با اعضای هم گروهش، با ارائه ایده های نوین بین تئوری و عمل ارتباط برقرار کند.

به این ترتیب دانش آموز می تواند تصویری در ارتباط با مسئله، مفاهیم و اطلاعاتی که نهادینه شده به دست آورد. این مرحله در مواردی می تواند دانش آموز را به تصور یک آینده مجازی یا حل مسئله از طریق ایده نوین هدایت کند.

گام چهارم: به اشتراک گذاشتن

دانشجومعلم در این مرحله با تدارک فرصت های یادگیری، دانش آموزان را به کار گروهی تشویق می کند و آنها را در موقعیتی قرار می دهد تا برای جمع آوری اطلاعات و تجزیه و تحلیل آنها، به تعامل با اعضای هم گروه خود اقدام کنند و با تلفیق یافته ها و ایجاد هم افزایی بتوانند از زوایای مختلف به شناسایی ابعاد مسأله بپردازند. اشتراک دانش به این معنی است که دانش آموزان، دانش ساخته شده خود را با سایرین از طریق گفتگوهای تعاملی فعال در کلاس به اشتراک می گذارند تا این دانش ضمنی (دانش عمومی که از تجارب زیسته حاصل می شود) به دانش صریح (آکادمیک و رسمی) تبدیل شود. (فیروزفر و شیرمرد، ۱۳۹۶، ص ۶۵ - ۷۲). در این مرحله نماینده هر گروه می تواند به طور شفاهی و یا به همراه اسلاید و تراکت و ... نتایج بحث اعضای گروه را با سایرین به اشتراک گذارد. دانشجومعلم نیز ضمن هدایت جریان تبادل اطلاعات گروه ها و تصحیح آنها، زمینه ارزیابی و تکمیل اطلاعات را فراهم می نماید. مهم ترین فعالیت ها در این مرحله عبارت اند از: بحث و فعالیت گروهی، تبادل اطلاعات بین دریافتها و ساخت های فردی از دانش، تأمل دانش آموزان روی مباحث و دیدگاه سایرین، هم افزایی و نو آوری ارائه نتایج فعالیت های هر گروه و هم افزایی مجدد و سرانجام تکمیل مباحث از طریق مشارکت اطلاعاتی معلم و ... البته به اشتراک گذاشتن اطلاعات م می تواند شامل فعالیت های خارج کلاس هم بشود که در قالب برنامه ها، پروژه های گروهی، تراکت و روزنامه دیواری و یا بحث و گفتگو در پیام رسان های معتبر و ... در زمانی طولانی تر صورت گیرد.

گام پنجم: انتقال به موقعیت جدید

در این مرحله فرصت های جدیدی برای به کارگیری و بسط آموخته ها به موقعیت جدید فراهم می شود. و دانشجومعلم با طرح سؤال یا تدارک یک موقعیت متفاوت از دانش آموزان می خواهد تا پیش بینی کنند که چگونه می توانند از نتایج آموخته ها برای حل مسائل آن موقعیت جدید استفاده کند. به عنوان مثال، اگر درس کربن و خواص آن است. از دانش آموزان خواهیم تصور کنند که با استفاده از خواص کربن چه وسایل جدیدی می توان اختراع کرد و یا چگونه می توان اختراعات قبلی را تکمیل و بهسازی نمود. در این مرحله می توان برای دانش آموزان تکالیف عملکردی نیز طراحی نمود.

فعالیت تکمیلی: سنجش آموخته ها

سنجش آموخته ها فرایند ارزشمندی است که دانشجومعلم در طی آن، هم می تواند آموخته های دانش آموزان را بسنجد، هم می تواند توانمندی خویش را در طراحی و اجرای تدریس ارزیابی کند، به علاوه بر مبنای نتایج سنجش می تواند

طراحی بعدی خود را اصلاح کرده؛ آن را بهبود ببخشد؛ بنابراین لازم است راهبردهای مناسبی را برای هر سه فعالیت ارزشیابی انتخاب کند:

- راهبردهای سنجش و ارزشیابی در طول فرایند یادگیری (ارزشیابی تکوینی)؛
 - راهبردهای سنجش و ارزشیابی در پایان واحد یادگیری (ارزشیابی پایانی)؛
 - تعیین تکالیف عملکردی، (تکالیفی حقیقی، مستمر، کاربردی و عینی).
- یکی از نکات مهم در اجرای طرح سازنده گرایانه این است که انجام مراحل آن الزاماً به ترتیب بالا نخواهد بود. هر یک از مراحل به تناسب شرایط یادگیرندگان و بافت موقعیتی می تواند جابه جا شده یا رفت و برگشت داشته باشد.